



هنر تئاتر

عبدالحسین نوشین

موسسه انتشارات نگاه، چاپ اول ۱۳۸۷

هنر تئاتر که قبلاً چاپ‌هایی از آن دیده‌ایم این بار توسط انتشارات نگاه در سه بخش عمده: استعداد شرط اصلی کسب هنر؛ ژست و جنبش؛ و میزانسن چاپ شده است. نویسنده از همان ابتدا در پی آن بوده‌است که فضای تئاتری ایران و هنرمندان و دست‌اندرکاران تئاتر زمان خود را بهتر بشناسد و برنامه‌ی کاری‌اش را برای ایجاد تحولی بنیادین در تئاتر ایران تنظیم کند و به پایه‌گذاری تئاتر عملی دست زند. نوشین معتقد است بازیگر تئاتر در کنار آشنایی با هنر تئاتر می‌باید با ادبیات کشورش آشنا باشد و آثار منظوم منظور را خوب بداند. به نظر وی زبان صحنه اصطلاحی است برای تنظیم دیالوگ که باید به آن رسید. نوشین بیان را به‌طور علمی به همکارانش آموخته بود، برای اینکه بیان بازیگران به لحاظ ریتم، آوا، جنبش و .. درست باشد. شاید به گونه‌ای بتوان گفت مکتب علمی «بیان تئاتری» را او در ایران پایه‌گذاری کرد.

بحث درباره‌ی تکنیک بازیگری و کارگردانی، دیدگاه‌ها و آرزوهای خود را درباره‌ی آینده تئاتر ایران تشریح می‌کند. با اینکه از نگارش کتاب دیر زمانی است می‌گذرد ولی دیدگاه‌های مؤلف در این حوزه قابل توجه است. هنر تئاتر ترکیبی از هنرهای مختلف، ادبیات (پیس تئاتر)، نقاشی (دکور، لباس، گریم)، موسیقی، هنر پلاستیک (رقص و نمایش حالت‌های بدن)، معماری (دکورهای با حجم) و نیز دو فن دیگر است که این مجموعه را کامل می‌کند و آن فن روشنایی و فن ماشین‌سازی سن می‌باشد. سروکار اصلی هنرپیشه با ادبیات و هنر پلاستیک بوده و کار او با سه عامل است: سخن، حالت و جنبش.

نویسنده در بحث استعداد شرط اصلی کسب هنر تلاش می‌کند با ذکر دستورهای عملی خواننده را با اصول فن اکتوری و تئاتر آشنا کند. در این مسیر او ذکر نکاتی را لازم می‌داند:

- نخست اینکه اکتور علاوه بر استعداد می‌بایست از الزامی متناسب برخوردار باشد.

- طالب کسب هنر اکتوری باید در ادای حروف لکنت زبان نداشته باشد.

- اکتور باید از صدایی گرم و دلنشین، قوی، باز و رسا برخوردار باشد.

- باید لهجه‌ی متداول مرکز کشور را داشته باشد.

یکی از اصول اکتوری همان‌طور که نویسنده به آن اشاره می‌کند «سخن» است. وی کوشش می‌کند ما را با شرح دستورهای عملی با رموز بیان صحیح و زیبا آشنا گرداند. و در ضمن شرح دستورهای عملی در مواجهه با مسائل تئوریک، به تفصیل به آنها بپردازد، سپس به بحث ریتم و میزان تندی و کندگی و همچنین تنوع ریتم پرداخته می‌شود. در بحث حالت‌ها و ادا و اطوار و تفاوت این دو نویسنده نتیجه می‌گیرد که حالت صحیح و متناسب عاملی لازم است که بدون کمک آن سخن همچون باز بلندپروازی است که پر و بالش را کنده باشند. سخن بدون کمک حالت جست و خیز ناماهرانه‌ای دارد ولی پرواز آزاد ندارد.

نوشین در مباحث کتاب به نمونه‌هایی از کلام منظوم ادبیات‌مان برای تمرین اشاره می‌کند، اما او معتقد است خواننده باید گنجینه‌ی ادبیات فارسی را مطالعه کند و قطعاتی متنوع برای تمرین انتخاب نماید. اما در عین حال متذکر می‌شود که ادبیات کشورمان با این که در حوزه‌های مختلف شاهکارهای جاودانی برجای گذاشته، اما از آثار درامی به سبک مغرب زمین و یونان قدیم خالی می‌نماید و آن‌گونه نیست که خواستاران هنر تئاتر بتوانند به وسیله‌ی ادبیات فارسی با ادبیات دراماتیک آشنا شوند و با زبان خاص تئاتر و مطالعه صحنه‌ای که شناخت به آن برای دوستداران هنر از ضروریات اولیه است، خو بگیرند. در واقع وی معتقد است که مطالعه‌ی ادبیات زبان مادری برای ما بیشتر از آن جهت ضروری است که به زیبایی، کشش، تکیه صدا و طنین کلمات و همچنین به آهنگ‌ها، ریتم‌های مختلف، موسیقی روح‌افزای کلام و به تحلیل احساسات و عواطف گوناگون بشری واقف شویم. مؤلف در ادامه مباحث کتاب به عناوینی چون ژست و جنبش، میزانسن و می‌پردازد.